

## انقلاب اسلامی مرحله‌ای از مراحل تکامل تاریخ

علی محمدی

مسئول موسسه علوم نوین اسلامی

### اشاره

انقلاب اسلامی ایران یک حرکت عمیق و یک انفجار معنوی است که هدفش احیاء عبودیت در کل جامعه‌ی بشری و حاکمیت دین در تمام عرصه‌های حیات اجتماعی است تا ولایت خداوند متعال در تمام شؤون زندگی انسان جاری شود. بنابراین انقلاب اسلامی در پی جهانی‌سازی معنویت، توحید و بندگی خداوند عالم است و لذا باید آن را مرحله‌ای از مراحل تکامل تاریخ و مقدمه‌ای برای تمدن اسلامی و همچنین حکومت عدل گستر جهانی حضرت بقیه‌الله عجل الله تعالی فی فرجه قلمداد نمود.

### الف - تاریخچه‌ی شکل‌گیری

با شکست دیکتاتوری رضاشاه و تبعید وی در ۲۵ شهریور ۱۳۲۰ خورشیدی مردم ایران که طی یک دوره‌ی شانزده ساله - بلکه بیست ساله - در غفلت تجدد فرو رفته و آن را با کابوس‌های وحشتناک استبداد پشت‌سر گذاشته بود، یکباره بیدار شد و خود را از استبداد شاهی آزاد و رها دید. در تمام این مدت، مبارزانی وجود داشتند که با آفریدن حماسه‌هایی مانند قیام مسجد گوهرشاد، چراغ مقاومت را روشن نگاه داشتند، اما توده‌ی مردم در روند رو به رشد تجدد و در گمان رسیدن به بهشت مدرنیسم به خوابی عمیق فرو رفته بودند (جعفریان، رسول؛ جریان‌ها و سازمان‌ها: ۱۷).

با فرار رضا شاه و به دنبال آن، درهم ریختن نظام استبدادی و گسستن نظام ارتش و امنیت و شهربانی و همچنین اوضاع نابسامان و پریشان ناشی از آغاز جنگ جهانی دوم، زمینه را برای فعالیت گروه‌ها و احزاب زیادی که از دل مردم یا با حمایت روس‌ها و انگلیس‌ها به وجود آمده بودند، مهیا

کرد؛ گروه‌هایی که هر کدام مرام و آرمان خاصی داشتند و برای ترویج آن میان مردم تلاش می‌کردند (همان). در یک تقسیم‌بندی اصلی می‌توان جریان‌های اسلامی این دوره را به دو دسته مدافعان فرهنگی و مبارزان سیاسی تقسیم نمود. مدافعان فرهنگی کسانی بودند که در مقابل خطراتی از جمله غرب‌گرایی (به عنوان مثال بی‌حجابی)، نفوذ افکار مارکسیستی و انحرافات از جمله بهائیت یا ماجرای کسروی (همان: ۲۷-۲۸)، دست به یک سلسله اقدامات فرهنگی از قبیل سخنرانی و چاپ مقاله و کتاب نمودند. در این میان هجده مارکسیسم با توجه به فضای اختناق و دیکتاتوری آن زمان و در نتیجه اقبال مردم به مکاتب مبارزاتی، هجده‌ای عمومی‌تر و سه‌مگین‌تر بود، چرا که بالا گرفتن تبوتاب مبارزه با ظلم و تلاش برای عادلانه‌تر شدن قوانین، زمینه را برای ورود افکار ملحدانه و البته ضد امپریالیستی کمونیسم مهیا می‌کرد. از این رو حجم قابل توجهی از اقدامات فرهنگی علماء و متدینین مربوط به مبارزه با مارکسیسم می‌شد که در این میان می‌توان طلیعه‌دار این مبارزه را مرحوم علامه طباطبایی (ره) معرفی نمود.

از دیگر اقدامات مدافعان فرهنگی تأسیس مؤسسات و یا سازمان‌های فرهنگی مذهبی بود. مهم‌ترین فعالیت این عرصه بی‌تردید احیاء مرجعیت شیعه در ضمن احیاء حوزه علمیه قم بود. روحانیت شیعه پس از مشروطه ضربه‌ی سختی را متحمل شد که بخشی از آن به اختلاف میان خود مراجع طرفدار و مخالف مشروطه و در رأس آنها آخوند خراسانی و سید محمد کاظم یزدی برمی‌گشت. با این ضربه و پس از تحکّم رضاخان بر مسند قدرت در ایران امیدی برای احیاء مرجعیت در ایران نبود تا اینکه با فعالیت مرحوم آیت الله شیخ عبدالکریم حائری در تأسیس حوزه علمیه قم به سال ۱۳۰۱ شمسی، مرجعیت شیعه احیاء شد. پانزده سال بعد با درگذشت مرحوم حائری (ره)، مرجعیت جهان شیعه در اختیار آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی در نجف قرار گرفت که ایشان نیز در سال ۱۳۲۵ شمسی درگذشت. پس از فوت آیت الله حاج آقا حسین قمی بعد از سه ماه از فوت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، بار دیگر مرجعیت به ایران بازگشت و در اختیار آیت الله بروجرودی قرار گرفت (همان: ۱۹۹ و ۲۰۰) و در نهایت پس از فوت ایشان در فروردین ۱۳۴۰ میراث ارزشمند مرجعیت به حضرت آیت الله حاج آقا سید روح الله خمینی منتقل شد.

هم عرض فعالیت‌های فوق‌الذکر، مبارزان سیاسی که عمدتاً گرایش‌های مذهبی داشتند به فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی رو آوردند و مبارزه با نظام شاهنشاهی را سرلوحه برنامه‌ی خود قرار دادند که از جمله‌ی آنها می‌توان به تشکل‌های مذهبی - سیاسی مشهد (همان: ۳۱)، تشکل‌های مذهبی - سیاسی اصفهان (همان: ۹۹)، حزب برادران شیراز (همان: ۱۰۴) و همچنین جمعیت فدائیان اسلام نام برد. البته علاوه بر نیروهای مذهبی در عرصه‌ی مبارزه با نظام شاهنشاهی می‌بایست به گروه‌های مارکسیستی (همان: ۱۸) و گروه‌های ملی (همان: ۱۹) نیز اشاره کرد.

پس از اشغال ایران توسط متفقین و تبعید رضاخان، فرزندش محمدرضا بر تخت قدرت نشست. به لحاظ سیاسی ویژگی اصلی سال‌های دهه ۱۳۲۰ پراکندگی قدرت در میان مجلس، دولت، احزاب، سفارت‌های خارجی و دربار بود (جمعی از نویسندگان، انقلاب اسلامی ایران: ۸۶).

شاید بتوان گفت مهم‌ترین حادثه‌ی این سال‌ها، نهضت ملی شدن نفت به علت اتحاد جناح‌های مذهبی به رهبری آیت الله کاشانی و عده‌ای از سیاستمداران مشهور به رهبری مصدق بود که البته پرونده‌ی این حرکت امیدبخش نیز به واسطه‌ی برخی کارشکنی‌ها و اختلافات داخلی، توسط کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بسته شد. در بین سال‌های پس از کودتا، حکومت پهلوی دست به یک سلسله اقدامات تنش‌زا زد که از جمله‌ی آنها می‌توان لایحه‌ی مشهور اصلاحات ارضی (۱۳۴۰)، لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی (۱۳۴۱)، حمله به مدرسه فیضیه (دوم فروردین ۱۳۴۲) و سرکوب قیام ۱۵ خرداد (۱۳۴۲) اشاره کرد.

در سال ۱۳۴۳ نیز لایحه‌ی کاپیتولاسیون نیز تصویب گردید که امام خمینی (ره) در سخنرانی تاریخی خود، شاه را مورد حمله قرار داد و دولت و مجلس را فاسد و دست نشانده‌ی آمریکا و اسرائیل و دشمن اسلام و مردم خواند و بدین سان نهضت تاریخ‌ساز حضرت امام (ره) که در حقیقت از ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز گردیده بود، رونمایی شد و آشکار گردید.

ویژگی منحصر به فرد این نهضت، وحدت رهبری فعالیت‌های «سیاسی-اجتماعی» و «فرهنگی-اجتماعی» بود، چرا که امام خمینی (ره) توانست پتانسیل دو گروه مبارزان سیاسی و مدافعان فرهنگی را در یکدیگر ادغام کرده و قوی‌ترین نهضت سیاسی-مذهبی-فرهنگی تاریخ بعد از صدر اسلام را ایجاد نماید.

چند روز پس از سخنرانی امام (ره) در خصوص کاپیتولاسیون، رژیم پهلوی در ۱۳ آبان ۴۳ امام خمینی (ره) را دستگیر و به ترکیه تبعید کرد؛ تبعیدی ۱۵ ساله که تا ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ ادامه یافت.

در طی این سال‌ها علی‌رغم افزایش مبارزات جوانان و بی‌اعتمادی مردم، رژیم پهلوی هنوز با ثبات و مستحکم به نظر می‌رسید به گونه‌ای که کارتر، در دی ماه ۱۳۵۶ در دیدار از تهران، ایران را جزیره‌ی ثبات خود نامید (همان: ۱۰۳). غافل از این که درگذشت مشکوک حاج آقا مصطفی خمینی و انتشار مقاله توهین آمیز به امام (ره) در ۱۷ دی ماه ۱۳۵۶ و برپایی مراسم یادبودهایی در شهرهای مختلف و به خاک و خون کشیده شدن مردم شهرهای قم، تبریز و یزد، حوادث پیش‌بینی نشده و البته مقدری بود که باعث شد نظام ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی در ظرف کمتر از یک سال و نیم سرنگون شود و سرانجام در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷ در میان استقبال پرشور و بی‌نظیر مردم انقلابی ایران، پیر فرزانه و رهبری تبعیدی آزادگان جهان، به آغوش ملت بازگردد تا از ۲۲ بهمن همان سال مرحله‌ای جدید در تاریخ جبهه‌ی ایمان، آغاز شود.

## ب- اهداف

شناخت صحیح و درست اهداف و آرمان‌ها ضامن سلامت حرکت یک پدیده می‌باشد؛ یعنی هنگامی می‌توان حکم به انحراف و عدم انحراف پدیده‌ای نمود که درک صحیحی از غایت و هدف آن پدیده وجود داشته باشد. بنابراین، هدف یک پدیده، معیار و محک سنجش انحراف و عدم انحراف آن پدیده است.

در رابطه با اهداف انقلاب اسلامی نیز، می‌توان گفت که غایت انقلاب اسلامی گسترش توحید در عالم و پیاده شدن احکام اسلام و ایجاد استقلال و ایجاد عدالت اجتماعی در قالب تمدن اسلامی است.

### ۱- گسترش توحید در عالم و پیاده شدن احکام اسلام:

مهم‌ترین هدف انقلاب اسلامی، گسترش توحید در عالم و پیاده شدن احکام اسلام است که این هدف در بیانات امام خمینی(ره) از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. امام خمینی(ره) در پیام تاریخی خود، در آخرین سال حیات خویش می‌فرماید: «ما هدفمان پیاده کرده اهداف بین‌المللی اسلامی، در جهان فقر و گرسنگی است. ما می‌گوییم تا شرک و فکر هست، مبارز هست و تا مبارزه هست، ما هستیم. اگر بندبند استخوان‌هایمان را جدا سازند، اگر سرمان را بالای دار ببرند. اگر زنده زنده در شعله‌های آتش مان بسوزانند، اگر زن و فرزندان و هستی‌مان را در جلو دیدگان مان به اسارت و غارت برند، هرگز امان‌نامه کفر و شرک را امضاء نمی‌کنیم» (دفتر مجامع مقدماتی فرهنگستان علوم اسلامی: ۱۹ و ۲۰).

### ۲- استقلال و عدالت اجتماعی:

یکی دیگر از اهداف انقلاب اسلامی ایران، استقلال و عدالت اجتماعی است که از آغاز نخستین بارقه‌های انقلاب، همواره مورد توجه رهبران این نهضت، قرار داشته است. هر چند که این دو مورد، هدفی هم عرض توحید و پیاده کردن اسلام نمی‌باشد، ولی در حکم مقدمه و زمینه‌ساز آن است. امام(ره) می‌فرماید: «استقلال ما می‌خواهیم، آن استقلالی که اسلام به ما بدهد؛ آنکه اسلام بیمه‌اش کند. تمام مقصد ما اسلام است؛ همه اسلام است، برای اینکه اسلام مبدأ همه‌ی سعادت‌هاست و همه‌ی قشرها را از ظلمات به نور می‌رساند» (امام خمینی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی: ۱۰۴).

همچنین مقام معظم رهبری(مدظله) در این خصوص می‌فرماید: «از مشخصه‌های خط امام، عدالت اجتماعی و کمک به طبقات مستضعف و محروم است که امام آنها را صاحب انقلاب و صاحب کشور می‌دانست. امام، پابرهنگان را مهم‌ترین عنصر در پیروزی‌های این ملت می‌دانستند. همین جور هم هست و امام(ره) به گفتن هم اکتفا نکرد. امام از همان اول انقلاب، جهادسازندگی، کمیته امداد، بنیاد مستضعفان، بنیاد پانزده خرداد و بنیاد مسکن را به وجود آورد و دستورات مؤکد به دولت‌های وقت داد. عدالت اجتماعی جزو شعارهای اصلی است، نمی‌شود این را در درجه‌ی دوم قرار داد و به حاشیه راند، مگر می‌شود؟!» (بهرامی، امام خمینی(ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری: ۱۴۱-۱۴۲).

### ۳- دستیابی به تمدن اسلامی:

یکی از اهداف مهم انقلاب اسلامی که معمولاً مورد توجه قرار نمی‌گیرد و حرفی از آن به میان نمی‌آید، دستیابی به تمدن اسلامی است. تمدن در لغت به معنای شهرنشینی (معین، فرهنگ فارسی، ۱۴: ۹۴۲) و در اصلاح همکاری افراد یک جامعه در امور اجتماعی، اقتصادی، دین، سیاسی و... می‌باشد (همان). ولی به صورت دقیق‌تر تمدن عبارت است از مرحله‌ای از تکامل و رشد یک جامعه که

در آن همه‌ی ابعاد مختلف اجتماع، بر محور یک امر واحد هماهنگ شده و منظم می‌گردد. در این مرحله ابعاد سیاست (نظام قدرت)، فرهنگ (نظام اطلاعات) و اقتصاد (نظام رفتار) یک جامعه طوری با یکدیگر هماهنگ می‌شوند که بتوانند متوجه‌ای واحد - که همان آرمان اصلی آن جامعه می‌باشد- را محقق کند. حال محور این هماهنگی می‌تواند تسلیم شدن نسبت به خدای متعال و خضوع و خشوع در مقابل او باشد و یا می‌تواند استکبار علی الله و انکار حقایق عالم قرار گیرد.

بدین سان هر تمدنی که شکل گیرد یا الهی است یا الحادی. همان گونه که گفته شد معیار و شاخص ایمانی و الحادی بودن یک تمدن نیز، وابسته به محور هماهنگی امور آن تمدن است. اگر زیربنایی‌ترین اصل هماهنگ‌ساز در یک تمدن، ایمان به خدا و تذلل در مقابل او بود، به طوری که بقیه‌ی امور فرع بر این اصل قرار می‌گرفتند، این تمدن، تمدنی الهی و در غیر این صورت تمدن مادی و غیرالهی خواهد بود.

نکته حائز اهمیت در این رابطه این است که دستیابی یک ملت به تمدن، نه تنها زمینه‌ساز تحقق آرمان‌های آن ملت می‌باشد، بلکه حافظ و نگهدار فرهنگ و آیین آن ملت نیز بوده و حتی بسته به میزان قدرت و ظرفیت آن می‌تواند سایر فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را از خود متأثر کند.

به طور خلاصه می‌توان گفت که میزان سهم تأثیر هر ملت در جامعه‌ی جهانی وابسته است به میزان هماهنگی و انسجام درونی ابعاد مختلف آن جامعه که اگر این هماهنگی و انسجام به مرز تمدن برسد، آن جامعه به بالاترین سهم تأثیر خود در جامعه‌ی جهانی نائل آمده است. ضرورت توجه به این مطلب که انقلاب اسلامی برای رسیدن به آرمان‌های خود می‌بایست ختم به تمدن اسلامی گردد مورد تأکید حضرت امام(ره) و مقام معظم رهبری (مدظله) بوده است.

این سخن بینانگذار انقلاب اسلامی که در سال ۵۷ ایراد گردیده، نمونه‌ی خوبی از توجه ایشان به ضرورت تمدن‌سازی است: «همه مکلفیم که حفظ کنیم این را با این نهضت اسلامی. ما تا اینجا آمدیم و قدرت‌ها را عقب زدیم. با این نهضت اسلامی باید سازندگی کنیم از حالا به بعد؛ یعنی همه با هم جلو برویم، همه با هم بر [سوی] یک تمدن صحیح نه تمدن محمدرضایی، تمدن الهی، تمدن رسول اللّهی» (صحیفه امام خمینی، ۶: ۳۴۳).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز در این خصوص می‌فرمایند: «سرنوشت حتمی عبارت از این است که تمدن اسلامی یک بار دیگر بر مجموعه‌ی عظیمی از دنیا، پرتو خود را بگستراند. خطی که نظام اسلامی ترسیم می‌کند، خط رسیدن به تمدن اسلامی است» (بیانات در تاریخ: ۱۳۷۹/۲/۲۳).

همچنین ایشان در جایی دیگر چنین مطرح کرده‌اند: «قضیه‌ی بنای یک نظام اسلامی و یک تمدن اسلامی و یک تاریخ جدید، یک قضیه‌ی جدی برای این ملت است. آن را جدی بگیرید... مسئله‌ی ما، مسئله‌ی حرکت عظیم در مقیاس جهانی است» (بیانات در تاریخ: ۱۳۷۲/۸/۱۲).

براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که هدف انقلاب اسلامی، گسترش توحید و ایجاد استقلال و عدالت در جامعه‌ی اسلامی برای پیاده کردن احکام اسلامی در قالب تمدن اسلامی است.

## ج - مبانی فکری

مبانی که انقلاب اسلامی آن را اصول خود دانسته بر پایه توحید بنا شده است که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

### ۱- جامعیت و جاودانگی احکام اسلام:

یکی از مبانی اساسی انقلاب اسلامی، شمولیت احکام اسلام نسبت به تمامی عرصه‌های حیات بشری می‌باشد. معنای این اعتقاد این است که اسلام برای تمام زوایای زندگی، دارای برنامه و حکم می‌باشد. در این نگاه عرصه‌های معیشت و عبادت از یکدیگر جدا نبوده و اساساً اسلام آمده تا همه‌ی اعمال و رفتار انسان را حتی در حوزه‌ی معیشت و فعالیت اجتماعی هماهنگ با غایت عالم تکوین که همان توحید است، نماید. امام خمینی(ره) در این زمینه می‌فرماید: «اسلام و حکومت اسلامی پدیده الهی است که با به کار بستن آن سعادت فرزندان خود را در دنیا و آخرت به بالاترین وجه تأمین می‌کند و قدرت آن دارد که قلم سرخ بر ستمگری‌ها و چپاول‌گری‌ها و فسادها و تجاوزها بکشد و انسان‌ها را به کمال مطلوب خود برساند و مکتبی است که برخلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، ولو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فرو گذار ننموده است؛ و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است» (امام خمینی، حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی: ۴۷).

انقلاب اسلامی  
مرحله‌ای از مراحل  
تکامل تاریخ

### ۲- امامت و رهبری سمت دینی پیامبر(ص) و جانشینان آن:

از دیگر مبانی مهم انقلاب اسلامی می‌توان به حکومت انبیاء و جانشینان آنان اشاره کرد که این مبنا به همراه مبنای اول از ارکان اساسی نظریه‌ی تئوری ولایت فقیه امام خمینی(ره) محسوب می‌گردد. براساس این مبنا کسی جز خداوند حق حکومت بر کسی و قانون‌گذاری ندارد، چرا که خداوند مالک تمام موجودات و خالق ارض و سماوات است و تنها اوست که می‌تواند حکمرانی کرده، در محدوده‌های ملک خود تصرف نماید. بنابراین می‌توان گفت براساس این مبنای اسلامی حکومت از آن خداست و قانون فرمان و حکم خدا می‌باشد. لذا بشر حق ندارد برای خود تعیین حاکم نموده و شخص یا عده‌ای را بر خود مسلط نماید. بنابراین تعیین خلیفه و حاکم از شئون الهی است و این خداوند است که حق تعیین والی و حاکم بر مردم را دارد. به تعبیر دیگر می‌توان گفت انتخاب حاکم و والی از امور انتصابی است نه انتخابی. امام(ره) می‌فرماید: «آنچه عقل خداداده حکم می‌کند آن است که تأسیس حکومت به طوری که بر مردم به حکم خرد لازم باشد متابعت و پیروزی از آن، از کسی روا و بجاست که مالک همه چیز مردم باشد و هر تصرفی در آنها بکند، تصرف در مال خود باشد و چنین شخصی که تصرف و ولایتش در تمام بشر به حکم خرد نافذ و درست است خدای عالم است که مالک تمام موجودات و خالق ارض و سماوات است. پس هر حکمی که جاری کند در مملکت خود جاری کرده و هر تصرفی بکند در داده‌ی خود تصرف کرده است و اگر خدا به کسی حکومت داد و

حکم او را به توسط گفته‌ی پیغمبران لازم‌الاطاعه دانست بر بشر نیز لازم است از آن اطاعت کنند و غیر از حکم خدا و یا آنکه خدا تعیین کرده هیچ حکمی را بشر نباید بپذیرد» (همان: ۵۳).

### ۳- تئوری ولایت فقیه:

تئوری ولایت فقیه را می‌توان یکی از مهم‌ترین مبانی نهضت امام خمینی(ره) به شمار آورد. بسیاری از بزرگان و علماء دین در دو مبنای اول دارای اختلافات فاحشی نیستند، ولی در تعیین محدوده‌ی اختیارات فقها در عصر غیبت دارای اختلافاتی می‌باشند.

در باره قلمرو ولایت فقیه در عصر غیبت، دو دیدگاه اساسی وجود دارد:

الف - دیدگاهی که قلمرو ولایت فقیه را بسان قلمرو حکومت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام گسترده و تام می‌داند و بر این باور است که ولی فقیه، در تدبیر و اداره‌ی کشور، در همه‌ی امور، حق دخالت و تصمیم‌گیری دارد.

ب - در برابر این دیدگاه، شماری قلمرو اختیار ولایت فقیه و دایره‌ی نفوذ آن را اندک پنداشته‌اند: مال‌هایی که مالکان آن ناشناخته‌اند، کودکان بی‌سرپرست و... یعنی بر این پندارند که فقیه نمی‌تواند حوزه‌ی اختیار خویش را بگستراند، بلکه تنها در همین چند مورد ولایت دارد. شماری بیش از این قلمرو ولایت فقیه را گسترده‌اند و داوری در دوره غیبت را نیز از آن فقیه دارای همه‌ی شرایط دانسته‌اند، ولی درباره‌ی اجرای احکامی که از سوی قاضی صادر می‌شود، سکوت کرده‌اند. شماری دیگر از این فراتر رفته و گفته‌اند: چون مقام داوری برای فقیه ثابت است، لوازم آن که اجرای حکم باشد نیز، برعهده‌ی او خواهد بود.

بسیاری از فقیهان شیعه، همان دیدگاه نخست را پذیرفته‌اند و با عناوینی چون: نیابت عامه فقیه، ولایت عامه فقیه، ولایت مطلقه فقیه، ولایت کلیه الهیه، و یا مبسوط الید بودن فقیه، از آن یاد کرده‌اند. امام خمینی(ره) نیز، همین دیدگاه را پذیرفته و از آن با عنوان: ولایت مطلقه فقیه یاد کرده است. اطلاق در سخن امام بزرگوار در برابر تقیید است، چه تقیید به امور حسبیه و چه در داوری و اجرای حکم. بر این اساس، ولایت مطلقه فقیه؛ یعنی فقیه حاکم، در اداره همه امور کشور حق دخالت و تصمیم‌گیری دارد. او به گونه‌ی مستقیم و غیر مستقیم حق دارد که فرمان جنگ و صلح بدهد، مالیات بگیرد و به مصرف برساند، اجرای حدود کند، با دیگر کشورهای پیمان‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی ببندد و... (دفتر تبلیغات اسلامی؛ حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه‌ی امام خمینی: ۵۲-۵۳).

براساس توضیحات فوق تا حدودی معنای این جمله‌ی کلیدی امام(ره) که فرمودند: «حکومت، شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز، روزه و حج است» (صحیفه نور، ۲۰: ۱۷۱) بیش از پیش آشکار می‌گردد.

البته این جمله به معنای این نیست که فقیه در حد پیامبر یا امام معصوم بوده و مصون از هرگونه خطا و لغزش می‌باشد. رهبر کبیر انقلاب اسلامی در این باره می‌فرماید: «البته فضایل حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله بیش از همه عالم است و بعد از ایشان فضایل حضرت امیر علیه السلام از همه بیش تر است، لکن زیادی فضایل معنوی، اختیارات حکومتی را افزایش نمی‌دهد. همان اختیارات

و ولایتی که حضرت رسول و دیگر ائمه صلوات الله علیهم، در تدارک سپاه و بسیج سپاه، تعیین ولات و استانداران، گرفتن مالیات و صرف آن در مصالح مسلمانان داشتند، خداوند همان اختیارات را برای حکومت فعلی قرار داده است» (امام خمینی، ولایت فقیه: ۴۰).

#### نتیجه‌گیری:

اساسی‌ترین تقسیم‌بندی از منظر ایمانی، تقسیم‌بندی حق و باطل است. واضح است که برخورد و تنش میان این دو جبهه اجتناب ناپذیر است، چرا که محور یک دستگاه، کفر به خدای متعال و حاکمیت اهو و دیگری تسلیم خدا و انقیاد در برابر او می‌باشد. پس این دو جریان توحید و کفر هیچ‌گاه با یکدیگر سازش نخواهند داشت.

امروزه هم، مصادیق بارز این دو جریان، تمدن مدرن - که بر پایه انسان محوری (اومانیسم) شکل گرفته است - و انقلاب اسلامی - که خواهان زندگی تحت ولایت خداوند باری تعالی و اولیاء ایمان است - می‌باشد. بنابراین توجه به تقابل بین انقلاب اسلامی و تمدن غرب از پر اهمیت‌ترین موضوعاتی است که می‌بایست متدینین نسبت به آن حساس باشند که خدای نکرده این برخورد به انزوای انقلاب اسلامی یا انحلال آن در جامعه جهانی منجر نشود، بلکه بتواند با حضوری فعال، مردم به استضعاف کشیده شده، توسط تمدن مدرن را بیدار کرده و دعوت به سمت خداپرستی و ولایت حضرت حجت(عج) نماید.

انقلاب اسلامی  
مرحله‌ای از مراحل  
تکامل تاریخ

#### منابع:

- بهرامی، قدرت الله؛ امام خمینی(ره) از دیدگاه مقام معظم رهبری (پژوهشکده تحقیقات اسلامی، سپاه، قم، چاپ اول، ۱۳۸۱)
- جعفریان، رسول؛ جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، نشر مؤلف، تهران، چاپ ششم، ۱۳۸۵.
- جمعی از نویسندگان؛ انقلاب اسلامی ایران، دفتر نشر معارف، قم چاپ ۲۳، ۱۳۸۵.
- خمینی، روح الله؛ حکومت اسلامی و ولایت فقیه در اندیشه امام خمینی(ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- دفتر تبلیغات اسلامی؛ حکومت اسلامی در کوثر زلال اندیشه‌ی امام خمینی(ره)، (مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸).
- دفتر مجامع مقدماتی فرهنگستان علوم اسلامی؛ تشکل بسیج، دانشجو و طلبه، دفتر مجامع مقدماتی فرهنگستان علوم اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۳۶۷.
- معین، محمد؛ فرهنگ فارسی (مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۹).